

## آرزوهای ما

### سرآمدان ایران

تقریباً بیست سال پیش یکی از مجله‌های علمی و ادبی پاریس استفتائی از حکما و متفکرین عصر کنونی در باره «وطن» کرده بود و از سؤال‌های متعدد یکی هم این بود که برای تولید حس شہامت و حب وطن در قلوب بچگان کدام کتابها را توصیه میکنید؟ این سؤالها و جوابها را برای خوانندگان ایران‌شهر در آتیه ترجمه خواهیم کرد. در اینجا فقط يك نکته اشاره می‌خواهیم بکنیم. در جواب سؤال فوق اغلب رجال علم و ادب چنین نوشته بودند که «بهترین راهها برای پرورش دادن حس وطن‌خواهی در دل‌های جوانان، تعلیم تراجم احوال مشاهیر و بزرگان قوم است.» این حقیقت، یکی از اسرار ترقی و تمدن اروپاست و اگر درست فکر کنیم می‌بینیم که تدریس و مطالعه تراجم احوال با وسایل گوناگون در مسئله تعلیم و تربیت و استحکام اخلاق و حسیات ملی اروپائیان درجه مهمی دارد و از بچگی يك روح شہامت و غرور ملی بدماغ افراد میدمد!

بلی چنانکه بچه پدر و مادر خود را و شاگرد استاد خود را و نظامی صاحب‌منصب خود را و مرید مرشد خود را سرمشق می‌گیرد، هیئت جامعه هر ملت نیز باید رجال بزرگ و ناموز و پاکدل خود را سرمشق خویش قرار دهد و بکسب اخلاق و صفات آنان



بکوشد تا بتواند اخلاق اجتماعی خود را روز بروز اصلاح کند و همیشه میزان ترقی و تعالی را در دست خود نگاهدارد! لیکن در ایران ما کلر برعکس شده است. با اینکه کشور ایران کمتر از مملکت‌های دیگر رجال بزرگ و نوابغ روزگار پرورش نداده است باز تأثیرات آنان در افکار و اخلاق و آداب مردم بسیار کم شده و برعکس مردمان بدمنش و فاسد و پست فطرت پیکر جامعه ایران را مسموم ساخته‌اند. یکی از علت‌های مهم این بدبختی فساد اخلاق پادشاهان بدسرشت و روحانیان ریاکار که مرجع پیروی و تقلید ملت هستند، بوده و علت دیگر هم که نتیجه اولی است عبارت از عزت بزرگان پاکدل و از میان رفتن نام و نشان و تراجم احوال ایشان است!

مطالعه تراجم احوال بزرگان سه تأثیر بزرگ در افکار و قلوب خواننده تولید میکند و همین تأثیرات میتواند از او یک مرد بزرگ بسازد: اول اینکه بوسیله اطلاع از اخلاق و صفات صاحب شرح حال، بشناختن نفس خود موفق می‌شود یعنی می‌بیند که کدام یک از آن اخلاق و صفات را خود دارا میباشد و این اطلاع، یک قوت قلب و امیدی در وی حاصل میکند. دویم اینکه موفقیت‌های آن مرد بزرگ، مثالهای درخشان و مشوق جلو چشم او می‌گذارد و سختی‌ها و زحمت‌ها که کشیده و متانت و استقامتی که از خود بروز داده حس شجاعت و فداکاری را در دل او تقویت میدهد و قوای خفته او را پیدار میکند. و در درجه سیم این مطالعه او را بر وسایل کار و موفقیت آگاه می‌سازد و تجربه‌های آن بزرگان برای او راهنما شده یک خط حرکت برای خود معین میکند و در فراهم آوردن اسباب کار و رسیدن به مقصد از تدابیر و وسایط لازمه باخبر می‌شود و گاهی همین یک مطالعه، انقلاب و

تفسیر حالی در خواتمه بمل می‌آورد و ماتد يك صدای غبی او را به ادای وظیفه خود دعوت و امر مینماید و اقدام در کار را برای وی بسیار آسان میکند و او را بمیدان آزمایش قدرت خویش میاندازد!

اکنون که ایران ما رو بترقی می‌رود و میخواهد تمدن اروپا را پذیرد، مسئله تعلیم و تربیت جوانان ایران يك مسئله حیاتی است و چنانکه گفتیم تراجم احوال مشاهیر در ایقاظ قوای خالقه روح و پرورش دادن جوهر ذاتی و فطانت و استعداد و اراده و شجاعت و شهامت تأثیر بزرگ دارد!

اغلب جوانان ما تصور میکنند که اولاً رجال بزرگی که مایه افتخار و سر بلندی ایران و سر آمد عصر خود بوده‌اند هرگز پایه رجال بزرگ ملت‌های دیگر نمی‌رسند و اگر هم برسند امروزه شایسته پیروی و سرمشق جوانان کنونی نمی‌توانند بشوند. ثانیاً برای ترقی دادن ایران چاره جز تقلید و قبول بلا شرط تمدن فرنگ نیست. این هر دو تصور بخطا است. در زمینه تمدن فرنگ و تقلید آن چند بار درین صفحات و در انتشارات ایران‌شهر نوشته‌ایم و در مسئله رجال نامور نیز آنچه امروز پیشنهاد و اقدام می‌کنیم جواب شافی خواهد بود!

من هر قدر تاریخ تمدن ایران را مطالعه میکنم و هر قدر نگاهی به تجلیات روح ایرانی در ادوار این تاریخ می‌اندازم بیش از پیش بحیرت می‌افتم و به حسرت و تأسف من می‌افزاید. من در صفحه این تاریخ دو حقیقت باهر تماشا و مشاهده میکنم:

اول — عدد مردان نامور و سر آمدان روزگار در سیاست و دین و حکمت و اخلاق و فکر و اراده و شهامت و شجاعت و اعلام کلمه حق در ایران ما بیش از آن بوده است که ما تصور آن را می

توانیم بکنیم!

دوم — مقام این شمس برج تجلی نسبت بزمان خودشان کمتر از مقام بزرگان ملت‌های دیگر نبوده سهل است که در بسیاری از تجلیات خود از آنان برتر بوده‌اند و هر مرد دقیق‌بین و منصف بدان اعتراف خواهد کرد! واقعاً این پروردگان مهد ایران در ذکاوت و استعداد، در عقل و کیاست، در استغناء و دیانت، در عزم و متانت، در علو فکر و همت و در فضل و دانش و در پاکی طینت و عقیدت و در روحانیت و حب حقیقت و غیره قدرتی نشان داده‌اند که عقلها را خیران و مجبور به ستایش و تعظیم می‌سازد! تدقیق و مطالعه سرگذشت این بزرگان از یک طرف متجددین ما را قانع خواهد کرد که ایران ما خالی از نوابغ عصر و نواد دهر نبوده است یعنی در این کشور که امروز شکل خارزار بخود گرفته در ازمینه گذشته بسی گلهای معطر علم و معرفت و فطانت و فضیلت روئیده و شکفته بوده است و از طرف دیگر این تراجم احوال برای نژاد آینده ما یک رهبر صمیمی و مشوق واقعی میتواند بشود چنانکه جناب آقای میرزا محمد خان قزوینی در ضمن مرقومه خودشان در جواب استمزاج نگارنده درین موضوع چنین نگاشته‌اند: «البته خیلی خوب می‌شد اگر هر یک از فضلاء ایرانی بقدر قوه خود در آن موضوعی که در آن تخصص مخصوصی دارد ترجمه حال یکی دو نفر از این مشاهیر را جمع مینمود تا بدین وسیله کم کم بزرگی روح ایرانی و سوابق علمی و ادبی و فلسفی و سیاسی آن سرزمین گوشزد عموم مردم بشود و از عظمت و ابهت سابقه خود مسبوق شوند تا در راه حفظ سرزمین نیاکان خود «ایده‌آلی» کاملتر و روشنتر در نهاد ایشان مرکوز شود و در نتیجه برای جان فشانی و فداکاری مادی و معنوی برای حمایت این سر

زمین از تعدی اجانب بیشتر حاضر باشند».

مدتی بود که من این آرزوی پاک را در دل خود می‌پروردم ولی عدم اقبال مردم بدین گونه اقدامات، اجازه اظهار این گونه آرزوها را نمیداد با وجود این بعنوان یادآوری این پیشنهاد را بنظر معارف پروران صمیمی تقدیم میکنم که اگر نتیجه عملی هم نبخشند اقلأ در اوراق مجله یادگار بماند.

البته این کار چندان آسان نیست و اهمیت فوق العاده دارد و از دست يك شخص تنها بر نمی‌آید. من برای این مقصد اسامی قسمتی از این بزرگان را که در رشته‌های مخصوص نام و نشانی از خود یادگار گذاشته و پرتوی از فضل و کمال و تدین و شهامت و ذکاوت و هنر و فضیلت بوده‌اند جمع و در جدول ذیل ذکر و ضمناً برای عملی کردن این نیت پاک از شعرا و ادبا و فضلا و علما و اهل تتبع که اطلاع کامل دارند تقاضا می‌کنم که هر يك نوشتن شرح حال یکی از این بزرگان را با رعایت شرایطی که ذیلاً شرح داده خواهد شد بپذیرد و ثانیاً از معارف پروران حقیقی با همت نیز تمنا مینمایم که در قبول کمک بمخارج چاپ این تراجم احوال بذل قوت کنند و بهمدیگر سبقت جویند و نام خودشان را در صفحه تاریخ تمدن ایران و در قلوب نژاد آینده آن یادگار گذارند (۱). اینک جدول این اسامی:

(۱) غرض ما این نیست که طبع و نشر این تراجم احوال حتماً باید توسط اداره ایران‌شهر بعمل بیاید. چون ممکنست برخی یخبندان تصور کنند که درین اقدام، منافع مادی در نظر داشته باشیم لذا صریحاً میگوییم که غرض ما جز اظهار يك آرزوی قلبی و صمیمی و جز تذکر یکی از وسایل ترقی چیز دیگر نیست و ما بسیار خوشوقت میشویم که مثلاً خود وزارت معارف و یا مطبوعات دیگر ایران این خدمت علمی را بپذیرد و انجام دهند زیرا مقصد یگانگی ما از قوه بفضل آمدن این آمال پاک است از هر راهی و بدست هر کسی باشد فرق نخواهد داشت. (ایران‌شهر)

## ۱- سرآمدان سلطنت و جهانگیری

- ۱ - کوروش (سیروس) بزرگ
- ۲ - داریوش بزرگ
- ۳ - اردشیر بابکان
- ۴ - شاپور اول
- ۵ - نوشیروان
- ۶ - یعقوب بن لیث صفار
- ۷ - عضدالدوله دیلمی
- ۸ - شاه اسماعیل صفوی
- ۹ - شاه عباس بزرگ
- ۱۰ - نادر شاه افشار
- ۱۱ - کریم خان زند

## ۲- سرآمدان دیانت و روحانیت

- ۱۲ - شت زردشت
- ۱۳ - مزدک
- ۱۴ - مانی
- ۱۵ - «تفسر» و «آذرباد مهر اسپند»
- ۱۶ - سلمان فارسی
- ۱۷ - شهاب‌الدین سهروردی
- ۱۸ - شیخ کلینی
- ۱۹ - شیخ صدوق
- ۲۰ - شیخ طوسی
- ۲۱ - شیخ مفید
- ۲۲ - محقق اول
- ۲۳ - علامه حلی
- ۲۴ - شیخ بهائی
- ۲۵ - شهید اول
- ۲۶ - فخر رازی
- ۲۷ - سعد تفتازانی
- ۲۸ - سید شریف گرکانی
- ۲۹ - خواجه نصیر طوسی
- ۳۰ - شیخ احمد احسانی
- ۳۱ - میرزای شیرازی
- ۳۲ - آخوند محمد کاظم خراسانی

## ۳- سرآمدان سیاست و انقلاب

- ۳۳ - ابومسلم خراسانی
- ۳۴ - برمکیان
- ۳۵ - خواجه نظام‌الملک
- ۳۶ - حسن صباح
- ۳۷ - میرزا تقی خان امیرکبیر
- ۳۸ - سید جمال‌الدین افغانی

## ۴- سرآمدان حکمت و فلسفه

- ۳۹ - بوذرجمهر
- ۴۰ - برزویه
- ۴۱ - ابن سینا
- ۴۲ - عمر خیام
- ۴۳ - ناصر خسرو هلوی
- ۴۴ - امام غزالی
- ۴۵ - شیخ محمود شبستری
- ۴۶ - میر داماد
- ۴۷ - ملا صدرا

## ۵- سرآمدان تصوف و عرفان

- ۴۸ - حسین بن منصور حلاج
- ۴۹ - جنید بغدادی
- ۵۰ - ابراهیم ادهم
- ۵۱ - بایزید بسطامی
- ۵۲ - ملای روی
- ۵۳ - شمس تبریزی
- ۵۴ - شیخ عطار
- ۵۵ - جامی
- ۵۶ - سنائی
- ۵۷ - ابوسعید ایه‌الخیر
- ۵۸ - خواجه عبدالله انصاری
- ۵۹ - باباطاهر
- ۶۰ - شاه نصرت‌الله ولی
- ۶۱ - حاج ملاهادی سبزواری
- ۶۲ - میرزا ابوالحسن جلوه
- ۶۳ - حاج سلطانعلی گنابادی

## ۶- سرآمدان صنعت و فن

- ۶۴ - باربد و نکبسا
- ۶۵ - بهزاد
- ۶۶ - رضای عباسی
- ۶۷ - مشاهیر خطاطان
- ۶۸ - ابن مسکویه
- ۶۹ - محمد ذکریای رازی
- ۷۰ - ابومعشر بلخی
- ۷۱ - ابوریحان بیرونی
- ۷۲ - مشاهیر نقاشان
- ۷۳ - \* اطبا
- ۷۴ - \* منجمین
- ۷۵ - \* ریاضیون
- ۷۶ - \* سیاحین
- ۷۷ - \* جغرافیون

## ۷- سرآمدان فن ادب (نظم)

- ۷۸ - رودکی
- ۷۹ - دقیق
- ۸۰ - فردوسی
- ۸۱ - منوچهری
- ۸۲ - عنصری
- ۸۳ - فرخی
- ۸۴ - انوری
- ۸۵ - حافظ
- ۸۶ - سعدی
- ۸۷ - خاقانی
- ۸۸ - نظامی
- ۷۹ - معزی
- ۹۰ - ظهیر قاریایی
- ۹۱ - ازرق
- ۹۲ - غضنیری
- ۹۳ - ادیب صابر

## ۸- سرآمدان ادب درثر و تاریخ

- ۹۴ - ابن المقفع
- ۹۵ - بلعی
- ۹۶ - یسوق
- ۹۷ - حمزه اصفهانی
- ۹۸ - عطا ملک جوینی
- ۹۹ - حمدالله مستوفی
- ۱۰۰ - رشید وطواط
- ۱۰۱ - عوفی
- ۱۰۲ - ابن اسفندیار
- ۱۰۳ - خواندمیر
- ۱۰۴ - میر خواند

## ۹- سرآمدان ادبیات عرب

- ۱۰۵ - سیبویه
- ۱۰۶ - حککائی
- ۱۰۷ - بشار بن برد
- ۱۰۸ - زعمشری
- ۱۰۹ - مهیار دیلمی
- ۱۱۰ - فیروز آبادی
- ۱۱۱ - ثعالبی

## ۱۰- سرآمدان عالم نسوان

- ۱۱۲ - ملکه‌های ایران
- ۱۱۳ - شاعره‌های \*
- ۱۱۴ - قره‌العین
- ۱۱۵ - زنان نامور پارسی
- ۱۱۶ - \* معارف‌پرورد دوره مشروطیت

## ۱۱- سرآمدان دوره مشروطه

- ۱۱۷ - میرزا جهانگیر خان
- ۱۱۸ - ملک المتکلمین
- ۱۱۹ - سید جمال‌الدین اصفهانی
- ۱۲۰ - ستارخان
- ۱۲۱ - میرزا علیمحمد خان تربیت
- ۱۲۲ - بیوم خان
- ۱۲۳ - سید محمد رضای طباطبائی
- ۱۲۴ - حاجی میرزا ابراهیم تبریزی

در انتخاب و ترتیب این جدول اسامی سه نقطه در نظر گرفته شده است :

۱ — اگر میخواستیم اغلب بزرگان ددجه دوم و سیم را هم داخل این جدول کنیم یقیناً بیش از هزار اسم می‌شد فلذا فقط به انتخاب ممتازترین و اولی‌ترین ایشان اکتفا کردیم و باوجود این ممکن است که از این طبقه اول نیز برخی‌ها از قلم افتاده باشد و اگر کسی یاد آوری کند متشکر خواهیم شد.

۲ — گرچه نقطه نظر ما فقط بزرگان ایران و ایرانی نژاد می‌باشد، باوجود این بعضی از علمارا مانند شیخ صدوق، شیخ طوسی، شیخ مفید، شیخ مرتضی، سید رضی، محقق اول، شیخ بهائی، علامه خلی و شیخ احمد احسائی با اینکه از نژاد عرب هستند نیز داخل این جدول کردیم چونکه از یکطرف از مروجین و مدافعین تشیع که مذهب رسمی ایران است بوده و از طرف دیگر هم اغلب آنها در ایران بسر برده و بعضی بفارسی هم تألیف دارند و از این رو ایران را وطن معنوی ایشان و ایشان را هم فرزندان ایران می‌توان شمرد.

۳ — اسامی چند نفر از رجال بزرگ که شرح حال آنان تا کنون در جزو انتشارات ایران‌شهر چاپ شده مانند شرح حال سید جمال‌الدین و شیخ محمد خیابانی و (بهزاد و مانی در جزو کتاب سر آمدان هنر) و شرح حال ابن‌المقفع تألیف جناب آقای عباس خان اقبال که در چاپ است، نیز جزو این جدول گردید تا بقدر امکان کامل شود.

در باره نوشتن تراجم احوال این مشاهیر نیز يك نكته را باید گوشزد کنیم که هر کس که نوشتن یکی از آنها را بعهده می‌گیرد باید کاملاً استقصا و تتبع نماید و تا می‌تواند کاملتر بنویسد و



- مخصوصاً نکات و شرایط ذیل را بخوبی رعایت کند:
- ۱ — بذکر تواریخ اهمیت کافی بدهد و اگر اختلافی در روایت و در تذکره‌ها هست آنها را نقل و تطبیق کند.
  - ۲ — مستندات و مأخذ خود را کاملاً ذکر کند و این را عیب و نقص معرفت خود نشمارد و بلکه برعکس مایه اعتبار و اهتمام و تقدیر و تحسین بداند.
  - ۳ — در حین ذکر عقاید و افکار صاحب شرح حال مغلوب حسیات خود نشده حقیقت را مشوب نسازد یعنی حقایق را بیطرفانه ولو بر ضد عقاید خودش باشد ذکر و عقیده خود را جداگانه بیان کند.
  - ۴ — در موقع اقتباس از تألیفات صاحب ترجمه و یا از کتب دیگر اسم کتاب و محل طبع و صفحات آن را توضیح دهد.
  - ۵ — در تقسیم کتاب به فصلها و بابها و در رعایت قواعد تنقیط چنانکه در شماره ۶ سال سیم مجله شرح داده شده دقت کامل بجا بیاورد که این شرط اهم شرایط است و بمنزیت کتاب میافزاید و آن را قابل استفاده عموم و مورد تحسین فضلا می‌سازد. درین موضوع هم باز چند سطر از مرقومه استاد معظم آقای میرزا محمد خان قزوینی را که برای نویسندگان ما یک درس مهم است نقل می‌کنم:

«خوب است در ضمن این پیشنهاد خاطر نشان قراء بفرمائید که باید تراجم رجال ایران مستند به تتبع در کتب مختلفه و جمع اسناد متعدده از روی کتب معتبره باشد یعنی نتیجه سعی و اجتهاد و فحص و کاوش و بحث و تنقیب باشد نه آنکه کسی بردارد این خلکان یا نامه دانشوران یا روضات الجنات را باز کند و شرح حال یکی از این مشاهیر را عیناً یا با اندک تغیر و تبدیلی استنساخ کند

و برای ایران‌شهر بفرستد و بعقیده بنده باید گفت که در نشر و طبع اینگونه مقالات خود ایران‌شهر و هیئت تحریریه آن حکم است که هر کدام را دیدند فاضلانه و استادانه نوشته شده است طبع خواهند کرد و الا فلا تا آنکس که رو نویسی از روی کتب معموله میکند بدون هیچگونه تتبع و اجتهادی اگر مقاله‌اش طبع نشد اوقاتش تلخ نشود.»

در خاتمه لازم میدانم فضلا و صاحبان همت و حمیت ملی را خطاب کرده بگویم که چون بر هر نعمتی شکری واجب است بیائید به شکرانه این نعمت فضل و دانش و این ثروت و مال که خداوند بشما ارزانی داشته همراهی کنید و دامن همت بکمر زنید تا این کاخ بلند قدردانی و حق شناسی را بنام بزرگان در گذشته ایران برپا کنیم و وظیفه خود را بجا بیاوریم. اگر اسلاف ما ناخلفی و کفران نعمت کرده حق این پیشوایان بزرگ را ادا نموده‌اند ما ذمه خود را از این حق بری سازیم و برای آیندگان يك آثار ابدی که دست روزگار به تخریب آن راه نیابد یادگار گذاریم تا افراد نژاد آینده ما را به بیحسی و نمک نشناسی و بی حمیتی یاد نکنند بیائید با این فداکاری جزئی سمادت فرزندان آئینه خود را تأمین کنیم زیرا که میراثی بهتر از علم و معرفت و بنایی پایدارتر از کاخ فضیلت و رهبری مهربان‌تر و داناتر از سرگذشت بزرگان در جهان ما پیدا نیست!

برلین — ۲ تیر ماه ۱۳۰۵ — ح. ک. ایران‌شهر

